

شفا (۱)

خدا آدم را در سلامت کامل روحانی و جسمانی خلق کرد. انسان با اراده آزاد از فرمان خدا سرپیچی کرده و در گناه سقوط کرد و با ورود گناه، بیماری، رنج و مرگ وارد دنیای ما انسانها شد.

انسانی که کامل، پاک و سالم بود، مصونیت خود را در مقابل مرض از دست داد. از آن به بعد نسل به نسل انسانهای بیشتر و بیشتر اثرات گناه را که وارد دنیا شده بود احساس کردند. و امروز ما نیز که در همین دنیا زندگی میکنیم، نمیتوانیم از اثرات مرگبار آن مصون باشیم. نه تنها که از اثرات آن مصون نیستیم، که با استفاده از مواد مضر مثل سیگار، الکل و مواد مخدر به این صدمات می افزاییم. بعلاوه ناراحتی های عصبی، رنجهای و نگرانی ها از نظر روانی ما را تحت تأثیر قرار میدهند. نهایتاً این عوامل به مرگ و فساد بدن ما می انجامند. اما خدایی که ما را برای مشارکت ابدی با خودش آفریده با مرگ مسیح بر روی صلیب ما را از لعنت گناه آزاد کرد. کلام خدا میفرماید: " این دردهای ما بود که او بجان گرفته بود. این رنجهای ما بود که او بر خود حمل میکرد. از زخمهای او ما شفا یافتیم. " (اشعیا ۵۳: ۴-۵). این آیه در کتاب اشعیا به هر دو مورد شفا روحانی و جسمانی اشاره میکند. در رساله اول پطرس می خوانیم که او واضحاً این آیه را به نجات (شفای روحانی) ما ارتباط میدهد، " او بر روی صلیب بار گناهان ما را بر دوش گرفت تا ما بتوانیم از چنگ گناه رهایی یافته زندگی پاک داشته باشیم. زخمهای او نیز دوا می دهد ما گردید " (۲: ۲۴). و در انجیل متی او این آیه را به عنوان پیشگویی در مورد قدرت مسیح موعود در شفای دردهای جسمانی استفاده میکند (۸: ۱۶-۱۷).

همانطور که قبلاً گفته شد، مسیح گناهان ما را بر خود گرفت و با آزاد کردن ما از اسارت گناه و لعنت آن شفای روحانی و جسمانی را برای ما تهیه کرد. ولی تا بازگشت ثانوی او این شفا به کمال خود نخواهد رسید. با بازگشت او ایماندارانی که تا آن زمان مرده اند از مرگ قیام کرده و آنانیکه زنده اند تبدیل شده و بدن تازه می یابند، بدنی که دیگر هرگز مریض نخواهد شد و فساد را نخواهد دید.

اما تا آنروز برسد خداوند مهربان ما را شفا میدهد تا:

- بدانیم که او ما را دوست دارد، به فکر ما است و میتواند جواب دعای ما را بدهد.
- او در شفای بیماری ما جلال یابد.
- قدرت و عظمت او آشکار شود.
- ایمانداران را برای خدمت سلامتی دهد تا بیماری مانع خدمتشان نشود.

آیا لازم است که از دارو استفاده کنیم؟

توجه بفرمایید که اکثر داروها کشف شده اند، چون خداوند مواد اولیه آنها را در طبیعت قرار داده است. ما باید با شکرگزاری از داروهای خوب استفاده کنیم. اگر در صورت وجود دارو از آن استفاده نکنیم مثل اینست که میخواهیم خداوند را آزمایش کنیم و در اینصورت نه تنها خود را در معرض خطر قرار داده ایم بلکه کاری را که کلام خدا ما را از آن منع کرده انجام داده ایم (لوقا ۴: ۱۲). البته خداوند قادر است که بیماری را شفا دهد ولی گاهی او از طریق دکترها و دارو شفا می دهد و مواقعی هست که دارو و درمان موجود نیست و یا حتی در پیشرفته ترین کشورها و با وجود تمام امکانات، پزشکان قادر به درمان بعضی بیماری ها نیستند و خدای قادر بدون کمک پزشک و دارو و بصورت معجزه آسا بیماری را شفا میدهد. پس ما می بایست به دعا کردن ادامه بدهیم و اعتماد کنیم که خواست خدا برای ایمانداری که در محبت و اطاعت از او زندگی میکند سلامتی است.

آیا خداوند در کلام مقدس تورات و انجیل و رسالات به روش خاصی برای شفا دادن اشاره فرموده؟

- روشهایی که عیسی مسیح و شاگردان برای شفا استفاده میکردند در موارد مختلف متفاوتند:
- عیسی مسیح با لمس کردن بیمار و یا گفتن یک کلمه شفا میداد.
- او کاملاً شفا میداد.
- او در همان لحظه شفا میداد.
- او هرکسی را با هر نوع بیماری شفا میداد.
- عیسی مسیح دیوزدهها را شفا میداد.
- کلام خدا واضحاً میفرماید که او مرده را زنده میکرد.
- در بیشتر موارد عیسی مسیح و شاگردان از روش گذاشتن دست بر روی بیمار استفاده میکردند.

ایمان و شفا

در انجیل مقدس روی نقش ایمان برای شفا یافتن تاکید شده است ولی خواهش میکنم توجه بفرمایید که در بعضی مواقع به ایمان شخص بیمار بعنوان عاملی که در دریافت شفای بیمار تأثیر دارد اشاره شده (لوقا ۸: ۴۸، ۱۷: ۱۹)، بعضی مواقع به ایمان آنهاييکه آن شخص را به حضور مسیح می آوردند (مرقس ۲: ۵) و در رسالهٔ یعقوب میخوانیم که میگوید دعای ایمان رهبران کلیسا بیمار را شفا داد (یعقوب ۵: ۱۵) و نه ایمان شخصی که بیمار بود. در انجیل لوقا فصل ۱۷ میخوانیم که حتی بی ایمانان شفا یافتند. مسیح ده جذامی را شفا میدهد و کلام خدا میفرماید ۹ نفر ایشان حتی باز نگشتند که تشکر کنند و شفا یافتن ایشان هیچ اثری روی ایمانشان نگذاشت و حتی تشکر نکردند.

دعای شفا :

اینکه از خدا بخواهیم که ما را شفا بدهد کاملاً مطابق تعلیم کلام خداست . بسادگی ایمان بحضور او برویم و تقاضا کنیم که بدن ما را شفا بدهد. در رساله به یعقوب میخوانیم که کلام خدا میفرماید: "علت اینکه آنچه میخواهید ندارید اینست که آنرا از خدا درخواست نمیکنید" (۴: ۲). اما وقتی برای شفا دعا میکنیم چه برای خودمان و چه برای شخصی که از ما تقاضا کرده که برای او دعا کنیم باید بدانیم که انگیزهٔ ما باید این باشد که خدا در این موقعیت که جلال بیابد حال چه شفا پیدا بدانیم که انگیزهٔ ما باید این باشد که خدا در این موقعیت جلال بیابد حال چه شفا پیدا بکنیم و چه نکنیم. اجازه بدهید که من منظور خودم را با یک مثال بسیار ساده توضیح بدهم. برای مثال اگر شما میدانستید که من الان روی صندلی چرخدار نشسته ام و این کلمات را مینویسم، فکر نمیکنید که کلمات من تأثیر بیشتری در شما میگذاشت. آیا این داستان مقاومت ایماندارانی نیست که در نهایت سختیها و بیماری و حتی تا پای جان ایمان خود را حفظ کرده اند، که ما را بلرزه در می آورد. منظور من دقیقاً همین است؛ خدا گاهی در بیماری ما بیشتر جلال می یابد تا در شفای ما، که با این مطلب ارتباط نزدیک دارد با ایمان ما به خدا و شناخت ما از او. منتهی درک این اصل وقتی که ما بیماریم و حفظ آرامش و شادایمان بسیار مشکل است. و دیگر اینکه وقتی دعا میکنیم با همان قلب پر از شفقتی که مسیح داشت دعا بکنیم و نه از روی بی تفاوتی و یا خدای ناکرده کسب شهرت.

پس بطور خلاصه با توجه به آنچه تاکنون بررسی کردیم :

۱. دعا نکردن برای شفا فقط بعلت اینکه ما نمیدانیم که شفا می یابد یا نه، بی اطاعتی از کلام خداست.

۲. اعلام اینکه با دعا بیماری شما حتماً شفا میابد و اگر شفا نیابد بعلت بی ایمانی شماست هم تعلیم غلطی است که متأسفانه اینروزها رواج پیدا کرده است.

ما برای شفا دعا میکنیم ولی شفا دهنده خداست .

آیا خدا همیشه شفا میدهد؟

به آیات زیر از کلام خدا توجه کنید :

تمام آفرینش بی صبرانه منتظر روزی است که خدا فرزندان خود را پس از مرگ زنده کند.... بلی ، ما (ایمانداران به مسیح) نیز با اشتیاق بسیار ، منتظر روزی هستیم که خدا امتیازات کامل ما را بعنوان فرزندانش به ما عطا کند. یکی از این امتیازات ، طبق وعده او ، بدن تازه ای است که نه دچار بیماری میشود و نه مرگ بر آن قدرت دارد (رومیان ۸: ۱۹ و ۲۳).

در رساله دوم پولس رسول به قرنطیان میخوانیم که پولس رسول سه بار برای شفای بیماری اش دعا کرد ولی خدا او را شفا نداد (۷: ۱۲) و در جواب او خداوند فرمود که فیض من برای تو کافیت و قوت من در ضعف تو آشکار میشود (۹: ۱۲). حتی گاهی پولس برای دوستانش که بیمار بودند دعا کرد و ایشان شفا نیافتند (فیلیپیان ۲: ۲۷). پولس به تیموتائوس پیشنهاد میکند که برای بیماری معده اش کمی شراب بنوشد (رساله اول به تیموتائوس ۵: ۲۳).

خداوند در بسیاری از مواقع از بیماری ما استفاده میکند تا ما را به خود نزدیک کند و نجات ببخشد. پس آنچه که در کلام خدا میابیم ما را تشویق میکند که پیوسته از خداوند طلب کنیم که بیماری را شفا ببخشد چه در ما و چه در اطرافیان ما و پس از آن به او اعتماد کنیم که اراده او در آن موقعیت برای ما بهترین است و با این ایمان به دعا کردن ادامه بدهیم .

خدا میخواهد که ما شفا بیابیم و در سلامت زندگی کنیم ، ولی شفای روحانی ما بسیار مهمتر است تا شفای جسم ما. خدا وجودی روحانی است و ما آفریده شده ایم که پس از انتخاب او به عنوان خداوند و پادشاه زندگیمان تا ابد در کنار او زندگی کنیم ، پس پر واضح است که سلامت و رشد روحانی ما برای او از اهمیت بسزایی برخوردار باشد. ممکن است این سؤال پیش بیاید که چطور ممکن است که با وجود مریضی جسم ، روح ما قویتر شود؟

وقتی پولس رسول برای بیماری خود بحضور خدا دعا کرد خداوند فرمود که فیض من برای تو کافیت و در ضعف تو است که قوت خدا ظاهر میشود. پولس شفا نیافت ولی خدمت او بخداوند متوقف نشد. پولس رسول که خود برای شفای بیماران دعا میکرد و آنها شفا میافتند ، در جسم خود مشکلی داشت تا او را فروتن نگاه دارد. ما در بیماری و ضعف است که بیشتر اوقات بیاد خدا می افتیم و با درک محدود یتهای خود از نظر روحانی رشد میکنیم. بزرگترین تجربیات زندگی ما در سختی ها بدست آمده اند و این ایمان یک ایماندار به خداست که حتی در سختی ها موقعیت را برای جلال خدا دگرگون میکند. با شکرگزاری در هر وضعیتی. ولی توجه بفرمائید که ما شکر نمیکنیم برای اینکه بیماریم ، بلکه در عین بیماری شکر میکنیم ک خدای ما قادر است که ما را شفا دهد. او که ما را آفریده و محبت کرده به ما می اندیشد. البته درک این مطلب وقتی که بیماریم مشکل است. عیسای مسیح در کنار قبر دوستش ایلعاذر ایستاده گریه میکرد ، چرا؟ چون میدید که گناه چه بر سر آفرینش نیکوی او آورده است. ایلعاذر نیش گناه را چیشد همانطور که ما بهنگام بیماری و مرگ این نیش را احساس میکنیم. ولی شکرگزاری چون او بر مرگ غلبه کرد ، قیام کرد و زنده است و این شکرگزاری منجر به رشد ایمان ما میشود.

همانطور که در داستان ده جذامی با هم دیدیم ، شفا در ایمان آن نه نفری که باز نگشتند تا از خدا تشکر کنند هیچ تغییری ایجاد نکرد. این است وخامت اوضاع قلب ما انسانها. امروزه شفای از بیمار یها ؛ آنچه که سالها در دنیای مسیحیت بعنوان نمونه ای از فیض و رحمت خدا باعث برکت همه شده برای بعضی ها دست آویزی برای کسب شهرت و ثروت شده است .

آنچه از شفا مهمتر است

شفا از عطایای روح خدا است (اول قرن‌تین ۹:۱۲). کلیسا از طرف خداوند ماموریت دارد که برای بیماران دعا کند (یعقوب ۵: ۱۴-۱۵). آیات و معجزات، شفاها و اخراج ارواح پلید هدیه خدا به آنانی که ایشان را دعوت کرده، بوده و هست (مرقس ۱۶: ۱۵-۲۰). اینها همه برکات و هدایای هستند که خدا به قوم خود عطا کرده. اگر چه می‌بایست دقت کنیم که این برکات و عطایا تمامی پیام انجیل را شامل نمیشوند.

اگر به بعضی موعظه‌های امروزی گوش کنید ممکن است به این نتیجه برسید که مسیحی شدن مساوی است با برطرف شدن تمام مشکلات، امراض و پولدار شدن ایمانداران. ایمان آوردن به مسیح تنها برای شفا یافتن نیست و انجیل مسیح فرمولی برای بدست آوردن ثروت و سلامتی نیست. چون همانطور که همه ما میدانیم ما حتی اگر از بیماری هم شفا بیابیم بالاخره روزی این دنیای فانی را ترک خواهیم کرد و مهمترین سؤال اینست که ما به کجا خواهیم رفت. اگر شفا برای ما همانطور که برای بسیاری از مردم هست، نشانه حقانیت شخص و یا مذهبی باشد، ما خود را در معرض خطری بسیار جدی قرار داده ایم. جادوگران در کشور اندونزی ادعا میکنند که میتوانند با دست خالی شما را جراحی کنند، جادوگران در آمریکا برای دست شکسته به نام شیطان دعا میکنند، هندوها با انرژی دستشان بیماران را شفا میدهند، در علم پزشکی بسیاری از بیماران را با دادن قرصهایی که از شکر ساخته شده درمان میکنند تنها با ایمان به اینکه این قرصها شما را شفا میدهد و در معبد مورمونها کاهنین برای شفای بیماران دعا میکنند و موارد شفا گزارش شده و بالاتر از همه اینها کلام خدا به ما هشدار میدهد که شیطان خود را بصورت فرشته نور ظاهر میکند و در ایام آخر انبیا و معلمین دروغین خواهند آمد که معجزات مسیح را تقلید میکنند، حتی زنده کردن مرده بدست نبی کاذب در کتاب مکاشفه پیشگویی شد است (مکاشفه ۱۳: ۱۵).

مرکز پیام شیرین انجیل شخص عیسی مسیح و مرگ او بر روی صلیب بجهت آمرزش گناهان است.

اگر شفا نیافتیم چکار کنیم؟

ما بخدا ایمان نداریم مشروط بر این اصل که او ما را شفا میدهد و یا به ما برکات مالی میدهد. ما خدا را در هر موقعیتی می‌پرستیم چون او خداست و اگر خداست، شایسته پرستش و عبادت ماست. یکی از دوستان من با بیمار جوانی روی صندلی چرخدار روبرو شد که برای فروش چیزهایی کوچک که به چرخ او آویزان بود جلوی مغازه‌ای نشسته بود. او از روی ترحم چیزی خرید و مقدار پولی بیشتر از آنچه که لازم بود پرداخت که کمکی کرده باشد. جوان بیمار بلافاصله برای پرداخت بقیه پول بزحمت بسیار دست خود را بسمت کیسه‌ای که پولش آنجا بود برد. ولی بعلت بیماری عضلانی شدید قادر نبود که این کار را بسادگی انجام بدهد. دوستم بارها به او گفت که مهم نیست ولی چون که بخاطر همان مرض قادر به صحبت کردن هم نبود، با نگاهش اصرار میکرد که حتماً بقیه پول را بپردازد. بالاخره پس از زحمت بسیار پول را بهمراه تکه کاغذی بدست دوست من داد. روی کاغذ نوشته شده بود: مبادا دلت برای من بسوزد من بسیار شادم از اینکه مسیح را در قلب خود دارم.

خودتان را جای دوست من بگذارید، واقعاً چقدر از اینکه روی دو پا جلوی این جوان مریض ایستاده و از ناراحتی‌های خیلی کوچک در زندگی خود شکایت میکنیم احساس حقارت به ما دست میدهد. گاهی اوقات یک بیماری ساده و یک مشکل مالی چنان ما را آشفته میکند که فکر میکنیم هیچکس در دنیا نیست که باندازه ما مشکل داشته باشد. ولی وقتی با چنین قدرت ایمانی در یک بدن رنجور مواجه میشویم مشکلات ما رنگ می‌بازند. فروتنی این جوان در مقابل خدخ بر غم بیماری که او را در خود پیچانده ما را دچار شوک میکند.

همانطور که میبینید گاهی اوقات خدا در بیماری ما بیشتر از سلامتی ما جلال می یابد. کلام خدا خدایی را به ما معرفی میکند که محبت مطلق است و ما را آنقدر دوست داشت که حاضر شد به خاطر ما پسر یگانه خود را فدا کند. خدایی که عدالت مطلق است و افکار او برای ما سلامتی است ولی راههای او با ما متفاوت است و افکار او بسیار بالاتر از درک ما. کلام خدا بر اساس این مکاشفه ای که از ذات خدا به ما میدهد، به ما میگوید که در سختی ها نهایت شادی را داشته باشید در همه حال شکرگذار باشید و همیشه دعا کنید و احتیاجاتتان را بحضور خدا بیاورید.

مشکل اینجاست که ما در آن اوقاتی که دریای زندگی ما آرام و آفتابی است خدا را فراموش کرده و وقت خود را صرف شناخت او نمیکنیم، در واقع آنقدر مشغول لذت بردن از هدایا هستیم که هدیه دهنده را فراموش میکنیم. تا اینکه موجی به قایق شکننده زندگی ما میخورد و افکار و احساسات ما را تحت تاثیر خود قرار میدهد؛ درست در این موقع برای شناخت خدایی که در واقع الان وقت اعتماد کردن به اوست، اقدام میکنید. اما همانطور که عرض کردم الان وقت ملاقات و آشنا شدن نیست. پس در واقع کلام خدا به ما اخطار میکند که هر چه زودتر برای شناخت خدایی که محبت مطلق است اقدام کنیم تا در سختی ها اطمینان خود را به او از دست نداده و افسرده و پریشان نشویم.

کلام خدا به ما می آموزد که به مشکلات نگاه نکنیم بلکه به خدا. خداوند می فرماید برای آنانیکه او را دوست دارند و به اراده او خوانده شده اند او همه چیز، حتی چیزهای بد را به خیریت ایشان تبدیل میکند (رومیان ۸: ۲۸).